

تبیین تغییر اولویت تهدید و تاثیر آن بر راهبرد مبارزه با تروریسم آمریکا

دکتر طه اکرمی* - استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۰۴

چکیده

میزان احساس و درک از تهدید، منجر به اتخاذ رویکردی متناسب با سطح و جنس آن تهدید از سوی کشورها و بازیگران می‌گردد. در این راستا، با گذر زمان، میزان احساس تهدید تروریسم برای آمریکا کاهش یافته و هم اکنون، بزرگترین تهدیدات آن ناشی از بازیگران دولتی می‌باشد. لذا این کشور اقدام به تطبیق راهبردهای دفاعی و امنیتی خود متناسب با این نوع از تهدید نموده است. در این راستا پژوهش حاضر در پی پاسخ به این سوال است که تاثیر تغییر میزان اهمیت تهدید تروریسم بر راهبرد مبارزه با تروریسم آمریکا چگونه بوده است؟ فرضیه نیز آن است که کاهش تهدید تروریسم، آمریکا را به سمت کاهش حضور مستقیم نظامی، تاکید بیشتر بر فناوری و اتخاذ راهبرد موازنه از دور سوق داده است. مقاله حاضر با استفاده از روش توصیفی تحلیلی و جمع آوری داده کتابخانه‌ای و بهره‌گرفتن از رویکرد واقع‌گرایی تهاجمی و مدل ارزیابی تهدید دیوید سینگر، به این نتیجه رسیده است که همزمان با کاهش تهدید تروریسم، آمریکا قصد خود مبنی بر نابودی تروریسم را تغییر داده و در حال حاضر به دنبال مهار و یادگیری روش زندگی با آن است. مهمترین عناصر رویکرد آمریکا نیز شامل تقویت راهبرد ردپای کمرنگ، تقویت چندجانبه‌گرایی و دیپلماسی، افزایش نقش تکنولوژی و شبکه‌ای کردن سیستم‌ها و اطلاعات، تشدید استفاده از راهبرد موازنه از دور و فرای افق، آموزش/ تجهیز و فعال‌سازی شرکا و متحدین و ... می‌شوند.

واژه‌های کلیدی: تروریسم، راهبرد مبارزه با تروریسم، راهبرد، تهدید، آمریکا.

۱. مقدمه

با افزایش تهدید تروریسم پس از ۱۱ سپتامبر، مساله تروریسم، تبدیل به دغدغه اول راهبرد امنیتی و دفاعی آمریکا گردید. لذا آمریکا نیروهای نظامی خود را به منطقه غرب آسیا اعزام نمود از آن سال تا کنون، درگیر مبارزه با تروریسم گردید. با این حال، رویکرد آمریکا در زمینه مبارزه با تروریسم همواره ثابت نبوده و دستخوش تغییر و تحولاتی نیز شده است که کاهش میزان نیروهای نظامی و یا خروج آن‌ها از افغانستان، از نمونه‌های این تحول می‌باشند.

برجسته‌ترین نقطه آغاز تغییر رویکرد را می‌توان به دوره باراک اوباما نسبت داد که از ضرورت کاهش نیروهای نظامی و همچنین کنار گذاشتن سیاست دولت-ملت‌سازی در این راستا، صحبت کرده است. این رویکرد در دوره دونالد ترامپ و جو بایدن نیز مشاهده گردید تا جایی که در دوره بایدن، خروج نظامی به صورت کامل از افغانستان رقم خورد. این امر به برخی گمانه‌زنی‌ها نسبت به تسری اقداماتی از این دست به سایر کشورهای منطقه منجر شد و تبدیل به یکی از نقاط عطف در تاریخ مبارزه با تروریسم آمریکا گردید. این امر علل زیادی داشت که مهمترین آن را می‌توان در کاهش تهدید تروریسم علیه منافع حیاتی آمریکا دانست. به عبارت دیگر، پژوهش حاضر در پی پاسخ به آن است که تاثیر تغییر میزان اهمیت تهدید تروریسم بر راهبرد مبارزه با تروریسم آمریکا چگونه بوده است؟ فرضیه نیز آن است که تهدید تروریسم کاهش یافته و دیگر در صدر تهدیدات امنیتی آمریکا و اولویت اقدام آن قرار ندارد که این امر آمریکا را به سمت کاهش حضور مستقیم نظامی، تاکید بیشتر بر فناوری، اتخاذ راهبرد موازنه از دور و تاکید بیشتر بر توانمندسازی و استفاده از ظرفیت شرکا و متحدان سوق داده است.



شکل (۱): رابطه تهدید بر راهبرد

به منظور بررسی موضوع و فرضیه مد نظر، مقاله در ابتدا تغییر میزان تهدید تروریسم را در اسناد آمریکا بررسی می‌کند. پس از آن به علل این تغییر پرداخته شده و سپس به تغییر راهبرد با توجه به تغییر میزان تهدید و عناصر رویکرد فعلی در مسیر مبارزه با تروریسم، توجه شده است.

۲. روش تحقیق

این مقاله با بهره‌گیری از روش‌های توصیفی - تحلیلی، تحلیل محتوا و داده‌کاوی به جهت بررسی اسناد بالادستی، سخنرانی‌ها و منابع مرتبط با تهدید، تروریسم و راهبرد ایالات متحده آمریکا در مواجهه با آن نگارش شده است. روش جمع‌آوری داده نیز کتابخانه‌ای می‌باشد.

۳. چارچوب نظری

یکی از انواع واقع‌گرایی، واقع‌گرایی تهاجمی است که بر این نظر است «احتمال وقوع جنگ» همواره وجود دارد و هیچ‌گاه به میزان آرام بخشی تنزل نخواهد کرد و تنها «قدرت» است که می‌تواند از خطر افزایش احتمال وقوع جنگ توسط حریف جلوگیری کند و در صورت وقوع، مانع شکست در جنگ شود (Mearsheimer, 2001: 21).

واقع‌گرایان تهاجمی مفروضه‌های ذیل را مبنای استدلال خود قرار داده‌اند:

۱. آنارشی وجه بارز و مشخصه نظام بین‌الملل است؛ بنابراین، وضعیتی اجتناب‌ناپذیر در محیط بین‌المللی است. نتیجه این وضعیت دولت‌ها را به کسب قدرت نسبی وادار می‌کند و بازخورد چنین اقدامی تضاد و کشمکش مستقیم میان دولت‌ها خواهد بود.
۲. چون کسب قدرت دولتی به معنای از دست رفتن قدرت دولت دیگر است، درخواست قدرت نسبی دولت‌ها را وارد بازی با حاصل جمع صفر می‌کند که نتیجه محتوم چنین بازی‌ای، تضاد و کشمکش است (Waltz, 1979: 20-24).
۳. بی‌اعتمادی به انگیزه‌های بازیگران، ویژگی دائمی نظام بین‌الملل مبتنی بر آنارشی است و به دو دسته قابل تقسیم است: یکی بی‌اعتمادی به انگیزه‌های فعلی بازیگران و دیگری در صورت وجود اعتماد، هیچ تضمینی در خصوص ثابت بودن این وضعیت ندارد. جرویس در همین خصوص اظهار می‌دارد «هیچ تضمینی وجود ندارد که جانشینان بازیگران قابل اعتماد کنونی، در همین مسیر گام بردارند. از سوی دیگر، ذهن‌ها را می‌توان تغییر داد، رهبران جدید را بر سر قدرت آورد و یا ارزش‌ها را تغییر داد. بنابراین، بی‌اعتمادی به انگیزه‌های بازیگران، عنصری ضروری در نظام آنارشی است. در همین چهارچوب، چنین نگرانی‌ای از نیت آتی یک بازیگر می‌تواند همکاری در وضعیت کنونی را نیز متزلزل نماید. اگر همکاری متقابل،

دولتی را در طی زمان نسبتاً قوی‌تر سازد، آنگاه دولتی که ضعیف‌تر می‌شود، ممکن است به علت این نگرانی که امکان دارد شریک وی در آینده به دولتی طمع‌کار تبدیل شود، رابطه خود را برهم زند (Abdullah Khani, 2013: 82-84).

۴. مساله تقلب و دولت‌های طمع‌کار پدیده‌ای مستمر در نظام آنارشی است. دولت‌های طمع‌کار، یعنی دولت‌هایی که نه برای امنیت، بلکه برای ثروت، جاه‌طلبی، قدرت و امیال شخصی روابط خود را تنظیم می‌کنند همواره وجود دارند و از سوی دیگر، الزاماً نیات آنان قابل تشخیص نیست. این دولت‌ها ممکن است روابط خود را بر اساس امنیت با شما تنظیم نمایند، اما در فرصت مناسب در کار خود تقلب خواهند نمود.

۵. دولت‌ها همواره سود مطلق را به سود نسبی ترجیح می‌دهند.

۶. هدف همه دولت‌های تجدیدنظرطلب دسترسی به جایگاهی هژمونیک در نظام بین‌الملل است. بنابراین این دسته از دولت‌ها به شدت در پی کسب قدرتند و اگر شرایط مناسب باشد، خواستار آنند تا توزیع قدرت را به نفع خود تغییر دهند، حتی اگر چنین عملی امنیت آنان را به خطر اندازد (Glaser, 1995).

بنابراین پرواضح است واقع‌گرایان تهاجمی راهکار تهاجمی احتمال وقوع جنگ و به بیان دقیق‌تر، ناامنی را پدیده‌ای اجتناب‌ناپذیر و طبیعی تلقی می‌کنند و لذا در طراحی دکترین و استراتژی‌های امنیتی خود، رویکردهای مبتنی بر کاهش احتمال وقوع جنگ را ناکارآمد و غیرمطلوب می‌دانند و بر روی کاهش احتمال شکست در جنگ متمرکزند. همچنین این دسته از نظریه‌پردازان، در طراحی دکترین‌های امنیتی خود بر دو راهکار «دکترین امنیتی مبتنی بر تهدیدات» و «دکترین امنیتی مبتنی بر آسیب‌پذیری» تاکید دارند که راهکار آسیب‌پذیری ناظر بر بعد داخلی و کاهش یا حذف زمینه‌ها و بسترهای بی‌ثباتی و ناامنی است و راهکار تهدیدات، فاعل محور بوده و متوجه رفتار و افعال بازیگران است (Abdullah Khani, 2004: 82-84).

راهکار آسیب‌پذیری بدین معنی است که کارپایه دکترین امنیتی بر اساس از بین بردن و یا تحت کنترل درآوردن زمینه‌ها، بسترها و موقعیت‌هایی است که نقاط ضعف و آسیب کشور محسوب می‌شود، دارای برد امنیتی است و هدف تهدیدات دشمنان و رقبا قرار خواهد گرفت. حال آنکه

انتخاب راهکار تهدیدمحور به عنوان کارپایه طراحی دکترین امنیتی، چنین طرحی را به سوی تمرکز منابع، علل و فاعل تهدید سوق خواهد داد. انتخاب راهکار تهدیدمحور، بدین معناست که کارپایه دکترین امنیتی بر اساس کاهش یا حذف تهدید قرار می‌گیرد و به جای هدف تهدید، منبع آن مورد توجه است. مطابق با این راهکار، به جای کلیه آسیب‌پذیری‌هایی که می‌تواند هدف تهدیدات واقع شود، صرفاً بر روی خود تهدیدات تمرکز می‌گردد. به عبارت دیگر با تهدیدات در منبع آن برخورد می‌شود (Abdullah Khani, 2004). با این حال جدال همواره بر سر انتخاب یکی از دو راهکار در معادله دوگانه تهدید-آسیب‌پذیری نبوده و راهکار میانه‌ای نیز مطرح شده است که مدل دیوید سینگر^۱ در آن قرار می‌گیرد (Abdullah Khani, 2004: 82-84).

آمریکا در ارزیابی خود از تهدید، عمدتاً از مدل سینگر استفاده کرده است. دیوید سینگر مدل تهدیدی از دولت‌ها ارائه می‌دهد که شامل توانمندی تخمینی و نیت تخمینی می‌باشد. مدل او بدین شرح است: درک تهدید: توانمندی تخمینی و نیت تخمینی (Singer, 1958: 94). بدین معنی که اگر یکی از این دو روند، یعنی توانمندی یا انگیزه نبود، تهدید نیز وجود نخواهد داشت. در این راستا، سیستم‌های دوقطبی دارای سادگی خاصی بوده و تفسیرپذیر هستند چرا که قدرت، اقدامات و نیت مشخص‌اند. اما در ساختار پیچیده فعلی، تشخیص توانمندی و به خصوص نیت، دشواری زیادی دارد و مشخص نیست که اقدامات باید در مقابله با چه کسی باشد. اگرچه پیش از سینگر نیز به این نوع تحلیل از تهدید اشاره شده بود، اما استفاده از روش‌های شبه‌ریاضی توسط او، باعث توجه بیشتر به این مدل شد و علی‌رغم قدیمی بودن آن، به نظر می‌رسد هنوز نیز آمریکا در ارزیابی تهدید خود از دو عامل ذکر شده توسط سینگر، بهره می‌جوید.

نقطه ضعفی که در مدل سینگر وجود داشت، چالش بازیگران غیردولتی و به خصوص، مواجهه با تروریسم است. پس از حمله تروریستی ۱۱ سپتامبر، آمریکا بدین نتیجه رسید که این حملات، در زمره تهدیدهای راهبردی به شمار می‌آید و مفهوم "تروریسم راهبردی" متولد شد و آمریکا به ضرورت توجه به نوع تهدید نیز پی برد. گذر از دوره تهدیدهای دوقطبی و دولت‌محور، به

1 David Singer

تهدیدهای پیچیده و غیردولتی، در جلسه استماع و توسط ریس اسبق سیا، جیمز وولزی^۱ نیز مطرح گردید؛ او در این جلسه گفت: "گویا ما به مدت ۴۵ سال با اژدهای بزرگی درگیر بودیم، آن را کشتیم اما حالا خود را در جنگلی مملو از مارهای سمی یافتیم که کنترل آن‌ها و ردیابی آن‌ها بسیار سخت‌تر از اژدها است" (Woolsey, 1998: 33).

با در نظر داشتن این مفهوم باید گفت که سند NSC-68 از دوره هری ترومن^۲، الگویی را برای رئیس جمهور در برابر شوروی ایجاد کرد. در این سند به وضوح به "توانمندی‌ها و نیت" شوروی اشاره شده و بیان می‌شود که آن‌ها علیه "نیات و توانمندی‌های" آمریکاست. بنابراین، توانمندی‌ها و نیت شوروی، در محوریت قرار داشت. اما با گذر زمان و بویژه پس از سال ۲۰۰۱، این نگاه دوقطبی و صرفاً دولت‌محور متوجه تغییرات شد و بازیگران غیردولتی نیز به آن افزوده شدند و از آنجا که هدف اصلی جامعه اطلاعاتی آمریکا، شناخت و ارزیابی صحیح از توانمندی‌های دشمن و هشدار دادن به موقع نسبت به نیت آن‌هاست؛ گروه‌های تروریستی و بازیگران غیردولتی نیز در کنار بازیگران دولتی برجسته گردیدند و بحث ارزیابی نیت و توانمندی آن‌ها نیز مطرح شد و شاهد آن هستیم که آمریکا در اسناد مختلف از لزوم بررسی روش‌های جدید و همچنین نیت دشمنان و بویژه بازیگران غیردولتی صحبت می‌کند. لذا آمریکا در راستای بهبود این موضوع و حل این مشکل، فرمول توانمندی × نیت را با افزودن عنصر آسیب‌پذیری به مدل بازیگر محور سینگر، به صورت ذیل تغییر داد:

تهدید: آسیب‌پذیری × توانمندی × نیت.

شکل (۲): مدل ارزیابی تهدید از منظر دیوید سینگر

آسیب در اینجا بدین معناست که مرجع تهدید را می‌بایست جستجو نمود. از این‌رو، پس از ۱۱ سپتامبر تاکنون به این موضوع توجه ویژه شده است، اما از اواخر دوره اوباما، آمریکا به این نتیجه رسید که توان و قابلیت از بین بردن مبدا را در رابطه با تروریسم ندارد و لذا مجدد به نسخه

1. James Woolsey

2. Harry Truman

پیشین خود بازگشت و مجدد بر دو عنصر نیت و توانمندی متمرکز شد که با وجود گذشت ۲۰ سال از شروع عملیات مبارزه با تروریسم، در عنصر نیت هم پیشرفت چندانی نداشته است. با این حال، همواره این دو واژه از واژه‌های پرتکرار در اسناد اطلاعاتی، دفاعی و امنیتی آمریکا می‌باشند که با افزایش تهدید بازیگران دولتی و طرح بحث رقابت با قدرت‌های بزرگ، مجدداً حائز اهمیت شده است.

۴. یافته‌های تحقیق

قدرت‌های بزرگ و به ویژه ایالات متحده آمریکا به منظور تحقق منافع خود از هر ابزار قابل استفاده‌ای بهره می‌برند تا بتوانند کنترل فرایندها، نظم‌ها و بازیگران را به دست گیرند. یکی از این ابزارها، مفهوم تروریسم بوده است که بویژه پس از ۱۱ سپتامبر تبدیل به مهم‌ترین عذر به منظور انجام اقدامات و عملیات‌های فرامرزی از سوی ایالات متحده آمریکا شده است. میزان توجه به این امر در دوره‌های مختلف ریاست جمهوری دچار تغییر و تحول شده است که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

۴-۱. تغییر میزان تهدید تروریسم

محیط امنیتی و عملیاتی پیش‌روی آمریکا، همواره در حال تغییر و تحول بوده است و آمریکا با تهدیداتی پیچیده و هیبریدی روبه‌رو است که تروریسم، صرفاً بخشی از آن است. آمریکا در این محیط با تهدیدات جدی‌تری نظیر بازیگران دولتی روبه‌رو است. از طرف دیگر برخی عناصر مانند پیشرفت تکنولوژی، بازیگری این بازیگران دولتی و غیردولتی را هوشمندان و بازدارندگی آمریکا را به چالش کشیده است. به عنوان مثال، فضای سایبر و یا کسب تکنولوژی تولید پهباد، از بزرگ‌ترین چالش‌های پیش‌روی آمریکا خصوصاً در مقابل بازیگران غیردولتی است.

به‌طور کلی در رابطه با اهمیت و اولویت تهدید تروریسم می‌توان گفت که در دوره جورج بوش^۱ و پس از ۱۱ سپتامبر تا تقریباً سال ۲۰۱۵، بزرگ‌ترین تهدید آمریکا را می‌توان تهدید تروریسم نامید (Darvishi and Hatamzadeh, 2013:137; Darvishi and Jalilvand, 2010:172). به عبارت دیگر پس از ۱۱ سپتامبر، این حس وجود داشت که اولویت اقدام به علت تغییر جغرافیای

1. George W. Bush

تهدید و ترس، مبارزه با تروریسم، بویژه با استفاده از ابزار سخت است؛ (Pain, 2010: 226) هرچند این روند به مرور زمان ابعاد و ابزارهای نرم را نیز شامل شد. اما از سال ۲۰۱۵ به بعد، به طور مشخص و کاملاً آشکار، آمریکا از تهدیدات دیگری نظیر تکنولوژی و بازیگران دولتی به عنوان اولویت تهدیداتش نام می‌برد که در ذیل به آنها پرداخته می‌شود.

۴-۱- دوره باراک اوباما

در دوره باراک اوباما^۱ که شامل بازه سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۶ می‌شود، همان‌طور که اشاره شد تا حد زیادی شاهد حفظ توجه به تهدید تروریسم به عنوان اولویت تهدیدات امنیتی آمریکا بودیم. در دوره اوباما همچنین تروریسم داخلی در دوره او به شدت مورد توجه قرار گرفته بود و او از همان اوایل شروع دوره خود یعنی در سال ۲۰۰۹، به وضوح به فعالیت تروریسم داخلی اشاره داشت. آمریکا در این دوره تهدید تروریسم و تهدید فراملیتی^۲ را به شدت مورد توجه خود قرار داد (Joint Publication 3-27, 2013: I-4) و سایر تهدیدات چه از لحاظ نوع بازیگر و چه از لحاظ موضوع، پس از آن قرار داشتند. به عنوان مثال تهدید سایبر و اشاعه هسته‌ای سایر تهدیداتی هستند که پس از تروریسم طرح می‌گشتند (Rolington, 2013: 4). اما از سال ۲۰۱۴ چالش آمریکا با تروریسم شکل دیگری یافت. در این سال آمریکا به گسترش و تمرکززدایی تروریسم اشاره داشت و ضمن آنکه همچنان تروریسم را دغدغه اصلی خود می‌دانست، به لزوم توجه به این گسترش جغرافیایی تروریسم نیز اشاره می‌کرد. اوباما همچنین با چالش دیگری به نام "مهاجمان تنها"^۳ روبرو گشت که این امر لزوم تقویت توجه به تروریسم در داخل کشور را دوجندان نمود؛ به عنوان مثال، در سال ۲۰۱۴، حدود ۱۲ نفر آمریکایی حامی داعش در آمریکا بازداشت

1. Barack Obama

۲. در بند ۵۰ ماده ۴۰۲ قانون شورای امنیت ملی تهدید فراملیتی این‌گونه توصیف شده است: "تهدید فراملیتی (شامل تروریسم بین‌الملل، قاچاق مواد مخدر، اشاعه تسلیحات کشتار جمعی و سیستم‌های تحویل این تسلیحات و جرم سازمان‌یافته) تهدیدی است که امنیت ملی آمریکا را تهدید می‌کند" (50 U.S. Code Title 50— WAR AND NATIONAL DEFENSE, n.d.)

3. Lone Offender

۴. تهدید ی داخلی و کسانی که تحت تأثیر ایدئولوژی افراط‌گرایانه تشویق به انجام اقدامات خشونت‌آمیز و تروریسم علیه آمریکاییان می‌شوند نیز به عنوان شکل دیگری از تروریسم در این سال مورد توجه قرار گرفته است چرا که شناسایی و مقابله با آن، به شدت دشوار است (QDR, 2014: 6).

شدند. این رقم در سال ۲۰۱۵ به ۵ برابر رسید(Clapper,2016:6). البته در گزارش چهارساله وزارت امنیت کشور آمریکا در سال ۲۰۱۴، در کنار تروریسم تهدید سایبر نیز طرح شده است و این اولین باری است که اهمیت تهدید سایبری تا این حد جدی تلقی شده است(QDR,2014:5-6).

بنابراین، می توان گفت تا سال ۲۰۱۶ تهدید تروریسم و افراطگرایی خشونت آمیز، مهم ترین تهدید آمریکا به لحاظ هم نوع بازیگر و هم به لحاظ موضوعی است و پس از آن تهدید بازیگران دولتی طرح شده است(Clapper,2016; NIS,2014:13). در سال ۲۰۱۶ شاهد چرخش شدید این نگاه می باشیم و در این سال شاهدیم که تروریسم، پس از بازیگران دولتی و همچنین موضوع سایبر و فناوری مطرح می شود؛ با این حال هنوز امکان حملات تروریستی علیه شهروندان آمریکا احساس می شود. از این سال، رسماً شاهد کاهش اولویت تهدید تروریسم از صدر تهدیدات امنیتی آمریکا می باشیم.

۴-۱-۲. دوره دونالد ترامپ

دونالد ترامپ نیز پس از پرداختن به رقابت با قدرت های بزرگ چین و روسیه و حفظ همان فرمول ۱+۴، تهدید تروریسم را مطرح کرد. آمریکا در این دوره و از سال ۲۰۱۷ به بعد، معتقد بود که چالش های پیش روی آن عمده تاً شامل روسیه و چین می شود. سند استراتژی دفاعی آمریکا در سال ۲۰۱۸، صراحتاً این دو بازیگر را اولویت بخشیده و "ظهور رقابت استراتژیک و بلند مدت" با آنها را تهدید بااهمیتی بیان می کند.

در این دوره ارزیابی تهدید به این سمت پیش رفت که تروریسم(در داخل آمریکا) از سمت انجام حرکات نمادین سیاسی به سمت تخریب و نابودی در حرکت است و آنها به رستوران ها، فروشگاه ها، ایستگاه های راه آهن، خیابان های شلوغ و به عبارت دیگر هرجایی ممکن است حمله کنند و ممکن است از طریق یک فرد و با تسلیحات آماده و حتی چاقو، تبر، کامیونت و ماشین صورت می گیرد(Jenkins,2017:19). هدف اصلی این حملات آن بود که این پیام رسانده شود که هیچ جا امن نیست. لذا آمریکا مهم ترین تهدید تروریستی را در داخل خاک خود و حتی از سوی شهروندان خود احساس می کرد. این نوع تهدید تروریستی شامل چند نوع مختلف

می‌گردید که دو نوع از مهم‌ترین آن‌ها، افرادی هستند که با ارتباطاتی تحت تاثیر گروه‌های تروریستی قرار می‌گیرند^۱ و گروه دوم، راست‌گرایان افراطی هستند. طبق گفته مرکز افراطی‌گری اتحادیه ضد افترا^۲، جنبش‌های راست‌گرا و یا سفیدبرترانگاری^۳، مسئول ۳۸۷ مورد، معادل ۷۱ درصد میزان مرگ و میر در سال‌های بین ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۷ می‌باشند که این میزان برای افراطی‌گرایان مسلمان، ۱۰۰ مورد و معادل ۲۶ درصد است. این آمار برخلاف ادعای ترامپ است که بیان کرده بود اکثر افراط‌گرایانی که اقدامات تروریستی انجام می‌دهند، آمریکایی نیستند (Stevenson, 2019:19).

ساختار اطلاعاتی آمریکا در دوره ترامپ حتی معتقد بود که این تمرکز بیش از حد بر تروریسم بین‌المللی تاکنون، باعث تضعیف توان نسبی آمریکا نیز شده است و موازنه نظامی منطقه‌ای به ضرر آنها تغییر کرده است. جامعه اطلاعاتی معتقد است که به دلیل تمرکز جدید آمریکا بر مبارزه با تروریسم و مبارزه با شورش‌گری و به این دلیل که دشمنان آمریکا راه‌های جدیدی برای شکست دادن نیروهای آمریکا پیدا کرده‌اند، آمریکا در حال از دست دادن برتری خود در برخی حیطه‌های جنگ مانند قدرت‌نمایی، دفاع موشکی و هوایی، عملیات‌های سایبری و فضایی و ... است. جامعه اطلاعاتی در این دوره بیان کرد که میزان اهمیت تهدید تروریسم تا سال ۲۰۱۱ بر اساس میزان و توان اثرگذاری آن تهدید تروریستی بود، اما از آن پس این موضوع تغییر کرده است و میزان وسعت و گستره، ملاک توجه به یک تهدید تروریستی است (Coats, 2019:35). از این رو، داعش، القاعده و سایر گروه‌های تروریستی همچنان تهدیدی واقعی علیه آمریکا و متحدانش بشمار می‌آیند (Coats, 2019:2-3) و در واقع، وسعت سرزمینی تروریسم، ملاک توانمندی آن در نظر گرفته شده است. ارزیابی جامعه اطلاعاتی آمریکا آن است که گروه‌های تروریستی به خصوص داعش، نه تنها انگیزه حمله به آمریکا و متحدان آن را دارند، بلکه

۱. تروریست‌ها مانند داعش نیز از اینترنت برای هماهنگی، جذب نیرو، پخش پروپاگاندا، کسب درآمد، جمع‌آوری اطلاعات، تحریک به عمل حامیان و منسجم کردن عملیات‌ها استفاده می‌کنند (Coats, 2017:3-4).

2. Anti-Defamation League Center on Extremism

3. White Supremacist

توانمندی خود را نیز به زودی افزایش خواهند داد، اما با این حال سطح و دایره عملیاتی آنها محدود به منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا و همچنین جنوب آسیا خواهد بود (Coats, 2019: 2-3).

۴-۱-۳. دوره جو بایدن

در دوره جو بایدن^۱ نیز همین نگاه نسبت به بازیگران دولتی و به خصوص چین و همچنین نسبت به نیت و توانمندی تروریسم حفظ شده است. سند ارزیابی تهدیدات سالیانه نیز پس از پرداختن به تهدیدات دولتی شامل چین، روسیه، ایران و کره شمالی، به عنوان آخرین نوع تهدید در ذیل مسائل فراملی به موضوع تروریسم جهان می‌پردازد و از داعش، القاعده، حزب ا. و افراط‌گرایان خشونت طلب نام می‌برد. این سند به وضوح به وجود انگیزه میان تروریست‌ها به جهت حمله به آمریکا اشاره داشته و بیان می‌کند که داعش و القاعده همچنان دارای انگیزه و توانمندی (البته در سطح منطقه‌ای) به جهت انجام عملیات بر ضد منافع آمریکا می‌باشند (Annual Threat Assessment of the US Intelligence Community, 2021: 6). نکته دیگر آنکه بایدن از تروریسم جهانی نام می‌برد و از این طریق تلاش دارد تا میان تروریسم جهانی و تروریسم داخلی تفکیک ایجاد کند. سند «راهنمای موقت راهبرد امنیت ملی»^۲ نیز همین رویه را اتخاذ کرده است. طبق این سند، تروریسم دیگر اولویت آمریکا نیست و بایدن در آن به لزوم پایان دادن به جنگ‌های دائمی و حضور میزان متناسبی از نیرو در مناطق جهان و خصوصاً خاورمیانه، اشاره می‌کند. این سند با تاکید بر تهدید تروریسم به این موضوع می‌پردازد که آمریکا دیگر نمی‌خواهد در «جنگ‌های بی‌پایانی» دخیل باشد (Biden, 2021: 1).

داده کاوی اسناد و گزارش‌های جامعه اطلاعاتی آمریکا در سال‌های ۲۰۱۶، ۲۰۱۸، ۲۰۱۹ و ۲۰۲۱ نیز یافته‌های پیشین را تایید کرده و به وضوح نشان می‌دهد که چگونه با گذر زمان، تهدید تروریسم از صدر اولویت‌ها خارج شده است و بازیگران دولتی جای بازیگران غیردولتی و موضوعاتی نظیر سایبر و فناوری جای آن را به لحاظ موضوع تهدید، گرفته‌اند.

1. Joe Biden

2. Interim National Security Strategic Guidance

به طور کلی تهدیدهای ناشی از دولت - ملت‌ها به ویژه روسیه و چین و به طور خاص در فضای مجازی (سایبری)، فضایی و هسته‌ای بیش از تهدید تروریسم است. این موارد نشان‌دهنده آن است که اگرچه تروریسم تهدیدی واقعی از دید آمریکا تلقی می‌شود؛ اما تهدیدی وجودی علیه آمریکا نیست. به عبارت دیگر، تروریسم باعث ایجاد مشکلات واقعی است؛ اما تروریسم تهدیدی وجودی نیست و لذا احتمال حمله تروریستی به آمریکا، به میزان کمی وجود دارد.

۴-۲. علل تغییر رویکرد مبارزه با تروریسم

از نیمه دوم اوپاما تا کنون، به وضوح شاهد کاهش شدید و روزافزون میزان اهمیت تروریسم و تاکید بر مبارزه با آن به عنوان یک اصل شکل‌دهنده در سیاست‌های دفاعی و امنیتی آمریکا بوده‌ایم و متناسب با آن، برخی تغییرات در رویکرد مبارزه با تروریسم آمریکا نیز روی داده است که یکی از نمونه‌های آن، کاهش میزان حضور نیروهای نظامی و همچنین افزایش استفاده از پهبادها می‌باشد. این امر، علل مختلفی دارد که توجه به آن‌ها، تغییر رویکرد آمریکا در مبارزه با تروریسم را قابل درک خواهد کرد. از این رو، در ذیل به بررسی علل کاهش تهدید تروریسم و تغییر رویکرد آمریکا در این موضوع، پرداخته خواهد شد. این علل عبارتند از:

۱. عدم تهدید منافع حیاتی آمریکا از سوی گروه‌های تروریستی: عنصر ضروری برای حضور نیروهای آمریکا در مبارزه با تروریسم، وجود تهدید حیاتی و یا تهدیدی علیه منافع و همچنین خاک آمریکا می‌باشد. گروه‌های تروریستی القاعده و داعش، مدتهاست که دیگر توان وارد کردن ضربه‌ای جدی علیه آمریکا را از دست داده‌اند و آمریکا به دنبال حفظ توانمندی آن‌ها در همین سطح و نه شکست یا نابودی کامل آن‌ها می‌باشد. به طور کل، تعریف مبارزه با تروریسم از سال ۲۰۱۰ به بعد شاهد تغییراتی بود. بدین صورت که تا سال ۲۰۰۹، مبارزه با تروریسم به معنی عملیات‌هایی بود که شامل «اقدامات تهاجمی به منظور پیشگیری، بازداشتن، پیش‌دستی و پاسخ به تروریسم» می‌شد. اما پس از آن، این تعریف تغییر کرده و شامل «اقدامات و عملیات‌هایی می‌باشد که به منظور خنثی‌سازی تروریست‌ها، سازمان‌ها، شبکه‌هایشان و ناتوان‌سازی آن‌ها در استفاده از خشونت و ایجاد ترس و فشار به دولت‌ها و جوامع به جهت تحقق اهدافشان»، می‌باشد و تاکنون همین مفهوم در نظر گرفته شده است. همان‌طور که مشخص است، انجام پیش‌دستی و

یا حتی پیشگیری، دیگر به صورت مستقیم مورد تایید قرار نگرفته است. همچنین آمریکا تا سال ۲۰۱۰ طبق تعریف مبارزه با شورش‌گری خود، به دنبال شکست شورش‌گری بود اما در این سال، تعریف خود از شورش‌گری را تغییر داده و ضمن حذف واژه «شکست دادن»، به مبارزه با علل ریشه‌ای توجه شده است (DOD Dictionary of Military and Associated Terms, 2010:1-02; Joint Publication 2021:31)؛

۲. تلفات مالی و جانی و هزینه‌های سنگین: آمریکا در حدود ۲۰ سال نبرد خود با تروریسم، در حدود ۸ تریلیون دلار و ۹۰۰ هزار کشته را متحمل شده است (Kimball, 2021:24).
۳. تمرکز آمریکا بر رقابت با قدرت‌های بزرگ و به ویژه چین: آمریکا تهدیدی جدی‌تر از گروه‌های تروریستی در مقابل خود می‌بیند و آن تهدید از سوی بازیگران دولتی و به خصوص، روسیه و چین است. آمریکا بر این عقیده است که مبارزه با تروریسم، توان و منابع این کشور و حتی نیروهای نظامی آمریکا را منحرف کرده است و این کشور برای مقابله با چین و روسیه، نیاز به بهینه‌سازی نوع حضور، بودجه و حتی نوع آموزش و توانمندی نیروهای خود به منظور مقابله با جنگ‌های متعارف و مواجهه با بازیگران دولتی دارد. بنا به گفته بایدن، آمریکا در حال تلاش به جهت بازگشت رقابت‌پذیری خود و رقابت با چین است (Biden, 2021:1).
۴. در حال حاضر و بویژه با گذر از قرن ۲۰ به ۲۱ شاهد آن هستیم که تسلط بر قلمروهای استراتژیک که در راس اهداف استراتژیک بودند، کمرنگ شده و صرفاً مولفه‌های نظامی و منطق جنگ سردی حکمفرما نیست. به عبارت دیگر مفهوم ژئواکونومی پررنگ‌تر شده است و عامل اقتصادی و انسانی و میزان تولید ناخالص ملی اهمیت مضاعفی یافته است. این امر در کنار آنچه در مورد قبلی بیان شد منجر به تغییر اولویت‌های آمریکا، تغییر اهمیت و جایگاه مناطق و نوع آرایش/راهبردهای نظامی در آن مناطق نیز شده‌اند تا جایی که ایالات متحده در منطقه‌ای چون غرب آسیا به سمت «حضور بدون ماندگاری» و «موازنه از راه دور» حرکت کرده و حتی نقش و کارکرد پایگاه‌های نظامی آن در غرب آسیا نیز تغییر یافته است. پیش‌تر آمریکا صرفاً پایگاه‌های نظامی مناسب فضای جنگ سرد را در اختیار داشت که با ظهور تروریسم، کارکرد پایگاه‌های مذکور به این سمت حرکت کرد. اما با توجه به کاهش تهدید تروریسم، آنچه در حال

حاضر مورد تاکید است، تلفیقی از دو نوع مدل پایگاه‌های جنگ سردی (پایگاه‌های بزرگ و متمرکز در کشورهای متحد و شرکای کلیدی) و مدل مبارزه جهانی با تروریسم (پایگاه‌های نامتمرکز کوچک در کشورهای شریک آمریکا) حرکت کرده است که نقش آموزشی و اطلاعاتی آنها بیش از سایر نقش‌هایشان شده است (Akrami, 2021: 314-316).

۵. وجود ارتباط میان مبارزه با تروریسم در خارج با افزایش راست‌گرایان افراطی در داخل آمریکا: یکی از مهم‌ترین مشکلات آمریکا، افزایش شمار نظامیان کهنه کار آمریکایی است که در عملیات‌های مبارزه با تروریسم آمریکا حضور داشته و به مأموریت‌های خارج از کشور رفته و هم اکنون با مسائل و مشکلات مختلفی در آمریکا حضور دارند. مشکل اصلی این گروه آن است که آن‌ها نه تنها خود عضو گروه‌های مسلح راست‌گرای افراطی در آمریکا می‌شوند، بلکه اقدام به جذب عضو برای آن‌ها نیز می‌نمایند و تهدیدی علیه امنیت در داخل خاک آمریکا تلقی می‌شوند (Felbab-Brown, 2021: 43).

۶. عدم امکان پیروزی بر تروریسم: آمریکا پس از ۲۰ سال مبارزه با تروریسم، تا کنون صرفاً توانسته است از حمله این گروه‌ها به خاک آمریکا مقابله کند، اما این گروه‌ها همچنان حضور داشته و حتی در جهان منتشر شده‌اند؛

۷. گسترش جغرافیایی تروریسم و لزوم تمرکز بر آفریقا: آمریکا در مبارزه خود در آفریقا با توزیع جغرافیایی گسترده‌ای از تروریسم مواجه است. جانشین فرمانده فرماندهی آفریقا نیز گفته که تهدید تروریسم در جهان منتشر شده است و آفریقا این پتانسیل را دارد تا تبدیل به منشا تروریسم گردد (Mahshie, 2021: 32). از این‌رو، این احتمال وجود دارد تا مرکز ثقل عملیات‌های بعدی مبارزه با تروریسم، آفریقا باشد (Clarke, 2021: 11). لذا به نظر می‌رسد هسته مرکزی و چالش اصلی مبارزه با تروریسم آمریکا در این قاره خواهد بود (Debis, 2021: 26) و نه در غرب آسیا. از این‌رو، این کشور در حال حاضر متمرکز کردن اقدامات مبارزه با تروریسم خود در آفریقا بوده و دیگر منطقه غرب آسیا بدین منظور، اولویت آمریکا نیست. برخی حتی معتقدند که سومین گروه از جنس القاعده و داعش، در آفریقا شکل خواهد گرفت و از این‌رو باید به مبارزه با تروریسم در این قاره توجه خاصی داشت. جو بایدن در سخنرانی خود در رابطه با خروج

نیروهای نظامی آمریکا از افغانستان، به موضوع پخش شدن تهدید تروریسم و القاعده به جغرافیایی گسترده‌تر و فراتر از افغانستان اشاره داشته است (Biden, 2021:1). گروه‌های تروریستی در نیجریه، مالی، بورکینافاسو، سومالی، کنگو، موزامبیک و ... حضور دارند و گروه‌های اصلی تروریستی نیز شامل الشباب، داعش و بوکوحرام می‌شوند (Savvel, 2021:15).

۳-۴. تحول رویکرد مبارزه با تروریسم

این تحول تهدید و تغییر نگاه آمریکا به تروریست‌ها، طبیعتاً بر نحوه مواجهه این کشور با تروریسم نیز تاثیرگذار بوده است. به طور کل، تا پیش از حملات ۱۱ سپتامبر، آمریکا تروریسم داخلی را عمدتاً مساله‌ای مرتبط با پلیس و نهادهای انتظامی دانسته و تروریسم بین‌المللی را تهدیدی دور از خود می‌دید. اما پس از ۱۱ سپتامبر، تهدید تروریسم نقشی محوری در سیاست خارجی و امنیتی آمریکا پیدا کرد تا حدی که جورج بوش در آن سال راهبرد امنیتی خود را مبتنی بر شکست سازمان‌های تروریستی دارای دسترسی جهانی، ممانعت از دست یافتن آن‌ها به محلی امن^۱ به جهت انجام عملیات و حملات، کاهش شرایطی که منجر به افزایش تروریسم می‌شود و دفاع از تروریسم از طریق دفاع در خانه، قرار داد و استفاده از عنصر نظامی در مبارزه با تروریسم نیز نقش پررنگی یافت و مداخله نظامی مستقیم و غیرمستقیم در این مسیر، عنصری مشروع و ضروری تلقی گردید. البته از عناصر غیرنظامی نظیر ملت‌سازی، ترویج دموکراسی، تحریم و ... نیز بدین منظور استفاده می‌شد. بوش از دکترین جنگ پیش‌دستانه در این جنگ استفاده کرد و می‌توان گفت که تمام امنیت ملی و سیاست خارجی در دوره بوش، تحت تاثیر مبارزه با تروریسم بود (Thrall and Goepner, 2017:14).

۳-۴-۱. دوره باراک اوباما

با شروع دوره باراک اوباما و روی کار آمدن او، به تدریج عناصری به رویکرد مبارزه با تروریسم اضافه شدند که اکثر آن سیاست‌ها و عناصر هنوز نیز وجود داشته و برخی حتی پررنگ‌تر نیز شده‌اند. اوباما نیز همچون بوش، در ابتدا رویکرد ترویج دموکراسی را پیگیری می‌کرد و مبارزه با تروریسم را گسترش داده و آمریکا در پاکستان، سوریه، لیبی، سومالی و یمن نیز بدین منظور

1.Safe Haven

حضور داشت. از اولین اقدامات اوپاما در رابطه با مبارزه با تروریسم، دستور تعطیلی زندان گوانتانامو^۱ صرف یک سال بود که اگرچه این زندان بسته نشد و باز ماند، اما تعداد زندانی در آن از ۲۴۲ به ۴۱ نفر رسید. مورد دوم، دستور اجرایی ۱۳۴۹۱ بود که به موجب آن اوپاما هرگونه استفاده از شکنجه و ابزارهایی مشابه آن را در بازجویی از تروریست‌ها ممنوع اعلام کرد. مورد دیگر نیز دستور اجرایی در تاریخ ۲۲ ژانویه ۲۰۰۹ مربوط به تشکیل کارگروه ویژه برای بررسی سیاست‌های نگهداری زندانیان در جنگ با تروریسم بود (Starr-Deelen, 2018:7). تحول دیگر در دوره اوپاما، تقویت سیستم حقوقی مربوط به جرم در داخل کشورهای هدف و از طرف دیگر، استفاده محدود از نیروهای نظامی است. همچنین در این دوره مبارزه با تروریسم به عنوان صرفاً بخشی از سیاست خارجی آمریکا تلقی می‌شد. دولت اوپاما به پیدا کردن "شرایطی که به تشدید افراط‌گرایی خشونت‌آمیز کمک می‌کند" علاقه‌مند بود و کمپین اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را مکمل عملیات‌های نظامی می‌دانست (Starr-Deelen, 2018:8). او در مسیر مبارزه خود با تروریسم، به سمت دیپلماسی فعالانه‌تر و چندجانبه‌گرایی رفت و بدین وسیله، قاطعیت^۲ و وسعت عملیات‌ها علیه تروریسم را شدت بخشید. در دوره اوپاما، کشتار هدفمند روند صعودی به خود گرفت و از عناصر اصلی راهبرد مبارزه با تروریسم او بود. البته هدف اصلی مبارزه با تروریسم، از «نابودی کامل» آن به «مهار» تروریسم تغییر یافته بود. اوپاما تا پیش از سال ۲۰۱۶، بارها از عبارت «نبود چکمه روی زمین^۳» به معنی عدم ضرورت حضور نیروهای زمینی صحبت می‌کرد (Romaniuk and Grice, 2017:16) اما پس از درک عدم عملیاتی‌شدن این رویکرد، به سمت «چکمه محدود بر روی زمین^۴» حرکت کرد. با این حال، در برهه‌ای آمریکای نیروهای خود را افزایش داد و این افزایش نیرو، در کنار استفاده بیشتر از نیروهای نیابتی و محلی و همچنین افزایش پشتیبانی لجستیک و هوایی به حدی بود که برخی ایده‌گذار از «ردپای کمرنگ» به سمت «ردپای میانه» را طرح کردند. اوپاما در دوره دوم خود، ضمن کاهش اهمیت مبارزه با

1. Guantanamo Bay Detention Camp

۲. اوپاما گفته بود: «تنها زبانی که قاتلانی امثال داعش درک می‌کنند، همان زبان زور است» (Fradkin & Libby, 2015)

3. No Boots On The Ground

4. Limited Boots on the Ground

تروریسم، به ضرورت توجه به شرق و تهدیدات دولتی تاکید بیشتری دارد و تاکید او بر چرخش به شرق نیز در همین راستاست. در این دوره، ارزیابی اواما از تهدید تروریسم، تهدیدی وجودی نبود.

۴-۳-۲. دوره دونالد ترامپ

راهبرد ملی مبارزه با تروریسم دونالد ترامپ^۱ نیز بیان کرد که آمریکا به دنبال رویکرد جدیدی است (NSS,2017:3) و علی‌رغم این ادعا، در عمل استراتژی ترامپ، ادامه همان استراتژی اواما است. هال برندز^۲، استاد دانشگاه جان هاپکینز^۳ معتقد است "محتوای نظامی استراتژی ضدتروریسم ترامپ، تفاوتی بنیادین با رویکرد اواما در اواخر دوره‌اش ندارد" و ترامپ اصولاً همان کاری را انجام داد که اگر اواما بود، او نیز انجام می‌داد، البته شاید با شدتی متفاوت (Brands,2017:35). ترامپ همچنین از اهمیت تهدیدهایی مانند تروریسم و جرائم فراملی کاست (Afshord and Shiffrinson,2018:16) و بر رقابت با قدرت‌های بزرگ تاکید کرد. به عبارت دیگر، در این دوره، رقابت با قدرت‌های بزرگ تبدیل به اولویت امنیتی آمریکا گردید و بنا به گفته متیس^۴، وزیر دفاع وقت آمریکا، "رقابت قدرت‌های بزرگ و نه تروریسم" تمرکز آمریکا بود. سند استراتژی دفاعی ملی تأکید بیشتری بر رقبای هم سطح نزدیک^۵ و یا رقبای هم سطح^۶ دارد و اهمیت مبارزه با تروریسم کاهش یافته است. تحول دیگر در این دوره، که در واقع می‌توان آن را به دوره دوم اواما نسبت داد، بحث تغییر ارزیابی تهدید تروریسم بر اساس میزان وسعت ارضی آن بود^۷ (Coats,2019:6). طبق این رویکرد، میزان گسترش جغرافیایی یک گروه تروریستی، میزان تهدیدانگاری از آن را تعیین می‌کند. ترامپ همچنین وعده حملات کوبنده‌تر و قاطعیت بیشتر و حتی شکست سریع و بمباران تروریست‌ها را نیز داد و برخلاف

1.Donald Trump

2.Hal Brands

3.Johns Hopkins University

4.Mattis

5.Near Peer Competitor

6.Peer Competitor

۷. علت اهمیت یافتن آفریقا به منظور انجام اقدامات مبارزه با تروریسم نیز، گسترش ارضی گروه‌های تروریستی در آن است.

اسلف جمهوری خواه خود، جورج بوش، ملت سازی را عامل شکست معرف کرد و نقش ترویج دموکراسی را تا حد توان کاهش داد. ترامپ تاکید می کرد که «به دنبال ملت سازی نیستیم. ما تروریست ها را می کشیم» (Starr-Deelen, 2018:17). تیلرسون نیز این موضوع را تایید کرده و گفته است که آمریکا به دنبال «ملت سازی و بازسازی نیست» (Starr-Deelen, 2018:19). علاوه بر آن، در دوره ترامپ، تصمیم گیری ها در رابطه با راهبرد عملیاتی به فرماندهی نظامی واگذار شد (Dombrowski and Reich, 2018:77) که استفاده از پهبادها، به ویژه در مبارزه علیه تروریسم و افزایش میزان این استفاده از آن ها نیز تبعات این موضوع است؛ در حالی که در دوره اوباما این موضوع دارای قانون بود و او در رابطه با استفاده بیش از حد از پهبادها "به عنوان راه حل تروریسم" هشدار می داد (Rosenthal and Schulman, 2018:34). به طور کل، در مسیر مبارزه با تروریسم، ترامپ همان رویکرد اوباما را البته با سرعت و شدت بیشتری، در پیش گرفت.

سایر موارد قابل توجه در دوره ترامپ شامل تاکید بیشتر بر ایفای نقش نیروهای نیابتی (Mossalanejad, 2020:16-17) و بازیگران محلی^۱، پایان دادن به برنامه سیا در حمایت از گروه های شورشی (در سوریه)، کاهش تعهد نظامی آمریکا (Dombrowski and Reich, 2018:65)، کاهش اهمیت و کاهش بودجه مبارزه با افراط گرایی خشونت طلب^۲، استفاده از مفهوم "تروریسم اسلام گرایی افراطی" (Starr-Deelen, 2018:42)، جلوگیری از تعهدات نظامی هزینه بر، منوط کردن خروج از عملیات ها به مدل شرایط محور و نه مدل زمان بندی شده و گسترده تر شدن دامنه لیست تروریست ها می باشند.

۳-۳-۴. دوره جو بایدن

در دوره جو بایدن نیز، با کاهش تهدید تروریسم از یک سو و برجسته تر شدن سایر اولویت ها نظیر رقابت با چین مواجه شدیم که آمریکا در تلاش برای پاسخ به آن، به سمت خاتمه بخشیدن

۱. در دوره اوباما نیز این موضوع وجود داشت.

۲. بحث کاهش اهمیت و کاهش بودجه مبارزه با افراط گرایی خشونت طلب به عنوان ابزاری برای جلوگیری از افراط گرایی و جذب نیرو است که در دولت اوباما و در رویکرد مبارزه با تروریسم مطرح شده بود.

به «جنگ‌های بی‌پایان» نظیر آنچه در افغانستان در جریان بود، حرکت کرد.^۱ آمریکا و به خصوص بایدن، در نظر دارند تا با تهدید تروریسم در همان جایی که آن تهدیدات حضور دارند، برخورد شود. بایدن یکی از علل خروج نیروها و منابع خود از افغانستان را همین دلیل دانسته و گفته است که تروریسم از افغانستان به بیرون از آن «متاستاز»^۲ داده و پخش شده است و لذا آمریکا باید آرایش مبارزه با تروریسم خود را به خصوص در غرب آسیا، جنوب آسیا و آفریقا با این امر، تطبیق دهد (Biden, 2021:2). بایدن مشخص کرد که تروریسم را تهدیدی وجودی برای آمریکا نمی‌بیند و و او تغییر اقلیم را تهدیدی وجودی بیان می‌کند (Biden, 2021:2). با این حال، تروریسم داخلی برای بایدن، اهمیتی دوچندان پیدا کرده است و او در رویکرد خود با تروریسم داخلی، به سمت راست‌گرایان خشونت‌طلب افراطی چرخش کرده است. دغدغه اصلی بایدن، خشونت ایجادشده از طرف سفید برترانگاران و همچنین افراط‌گرایان راست‌گراست، حال آنکه آخرین سند راهبرد امنیت ملی اواما بر ضرورت مبارزه با القاعده و داعش متمرکز بود و ترامپ نیز مرتباً بر تروریست‌های اسلام‌گرا و افراط‌گرایان خشونت‌طلب داخلی تاکید داشت (Biden, 2021:3). به نظر می‌رسد علی‌رغم تفاوت در نگاه به تروریسم داخلی، در رابطه با تروریسم بین‌المللی، بایدن نیز ادامه‌دهنده دستورالعملی می‌باشد که از قبل مشخص شده است (SWAN, 2020:31).

او در رابطه با استفاده از نیروی نظامی نیز گفته است که نیروی نظامی «باید زمانی استفاده شود که اهداف و مأموریت، مشخص و قابل دسترسی باشد» و اذعان داشته که «در خاورمیانه، ما حضور نظامی خود را به سطح مناسبی^۳ که شبکه‌های تروریستی بین‌المللی را مختل کرده، با ستیزه‌جویی ایران مقابله نموده و منافع حیاتی آمریکا را حفظ کند، تغییر می‌دهیم» (Biden, 2021:2). لذا عنصر نظامی، گزینه اول بایدن در مبارزه با تروریسم نخواهد بود. با این حال، بایدن می‌گوید که با تروریسم مبارزه خواهد کرد ولی معتقد است که آمریکا نیازی به جنگ

۱. اگرچه اواما و ترامپ نیز تلاش داشتند تا نیروهای آمریکا را از افغانستان خارج کنند، اما موفق نشدند.

۲. متاستاز، دگرشینی یا فراگستری انتشار یک عامل بیماری‌زا از یک محل اولیه یا آغازین به یک محل دیگر یا ثانویه در بدن میزبان است

زمینی ندارد و بر توانمندی‌های فرای افق^۱ خود تاکید دارد و می‌گوید که آمریکا می‌تواند با تروریست‌ها، بدون حضور نیروهای آمریکا بر روی زمین (و یا با حضور بسیار کم آن‌ها در صورت نیاز)، مبارزه کند. به نظر بایدن، آمریکا می‌تواند از این طریق در دو جبهه مبارزه با تروریسم و رقابت با قدرت‌های بزرگ، مبارزه کند (Biden, 2021:3).

بایدن صراحتاً از ضرورت اتمام عملیات‌ها برای بازسازی سایر کشورها صحبت می‌کند و از ترکیب مبارزه با تروریسم با ضد شورش‌گری و ملت-دولت‌سازی انتقاد می‌کند. او اعزام بی‌پایان نظامیان را راه‌حل ندانسته و بر دیپلماسی، ابزارهای اقتصادی و حمایت جهانی تاکید می‌کند (Biden, 2021:3). در نهایت نیز اقدام دیگر بایدن همانند او‌باما، سخت‌گیری در رابطه با استفاده از پهبادهاست و تلاش کرده است تا برخی رویه‌هایی را به منظور پیش نیاز انجام حملات پهبادی در مبارزه با تروریسم (در خارج از منطقه نبرد) ایجاد کند (Baumann, 2021:36).

۵. تجزیه و تحلیل

آمریکا در طول ۲۰ سال مبارزه خود با تروریسم، به سبک و روشی از مبارزه با تروریسم رسیده است که از دوره او‌باما حرکت به سمت اجرای آن آغاز گردیده است. مهم‌ترین دلیل اتخاذ این رویکرد، علاوه بر هزینه‌های مادی و معنوی، آن است که آمریکا به این درک رسیده و دریافته است که توان و امکان نابودی تروریسم را ندارد؛ از این‌رو این کشور به سمت «فراگرفتن زندگی^۲» با تروریسم حرکت کرده است. ژنرال فلین^۳ نیز رسماً به این مورد اشاره داشته و گفته است که «ما نمی‌توانیم تروریست‌ها را از بین ببریم ...» و او حتی تروریسم را با «تصادف خودروها» مقایسه کرده و این پدیده را تا این حد عادی‌انگاری کرده است (Friedman, 2016:19). با این توصیفات، به نظر می‌رسد آمریکا و متحدان آن، به سمت مدیریت و مهار تهدید تروریسم حرکت کرده‌اند، لذا، اقدامات آمریکا حول محور مهار و مدیریت تروریسم و نه

1. Over the Horizon

2. Learning To Live

3. General Mike Flynn

نابودی آن می‌باشند که این رویکرد، که عمده عناصر و مفاهیم مرتبط به آن در بخش قبل اشاره گردید، به طور خلاصه به شرح ذیل ذیل می‌باشد.

به طور کل، آمریکا اقدامات مبارزه با تروریسم خود را در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی صورت می‌دهد. سطح اول و مرکزی، شامل استمرار همکاری از طریق ارتباطات دیپلماتیک با دولت‌ها، شرکا (Mossalanejad, 2018:22) و بازیگران فروملی و فراملی در داخل کشور هدف به منظور مدیریت و کاهش تهدید تروریسم است. سطح دوم به معنی حضور نظامی منطقه‌ای آمریکا است. آمریکا برخی توانمندی‌های خود در مناطق مختلف جهان نظیر غرب آسیا را از طریق ناوگروه، پایگاه‌ها و یا توافقات و همکاری‌های امنیتی، حفظ خواهد کرد و تا حد امکان، نیروهای نظامی (و به خصوص زمینی) خود را از آن مناطق خارج خواهد ساخت. در سطح سوم نیز که جهانی است، آمریکا به دنبال مدیریت جهانی تهدیدات فراملی است. آمریکا تلاش دارد تا با همکاری متحدان و شرکا و به صورت مشارکتی، تهدید تروریسم علیه آمریکا را کاهش دهد (Helvey, 2021:27). بنابراین آمریکا در نظر دارد تا به این دغدغه خود با استفاده از دیپلماسی فعال و به صورت چندجانبه و از طریق نیابتی‌ها، شرکا و متحدین پاسخ دهد. منظور از پاسخ نیز، همان‌طور که اشاره گردید، مدیریت و مهار تهدید تروریسم و نه نابودی آن است. آمریکا به دنبال آن است تا سطح تهدید تروریسم در سطح همان منطقه (در سطح محلی) باقی بماند و تهدید آن متوجه خاک و منافع آمریکا نگردد. برخی از این رویکرد آمریکا با نام‌های دکترین «به اندازه کافی خوب»^۱ و یا تاکتیک «چمن زنی»^۲ نیز یاد می‌کنند.

دکترین «به اندازه کافی خوب» که توسط دنیل بایمن^۳ طرح گردیده است بیان می‌کند که آمریکا به دنبال «مدیریت و نه از بین بردن تهدید تروریسم» است (Kurtz-Phelan, 2021:20). راهبرد چمن‌زنی نیز مکمل آن است و بدین معنی است که آمریکا نه به دنبال نابودی، بلکه به دنبال مهار و حذف توانمندی‌های تروریست‌ها در جهت مقابله با افزایش تهدید از سوی آن‌ها می‌باشد. در این رویکرد آمریکا بر گروه‌هایی که تهدیدشان فرامحلی بوده و ممکن است تهدیدشان متوجه

1. Good Enough Doctrine

2. Mowing the Grass

3. Daniel Byman

آمریکا گردد، تمرکز دارد (Brands, 2021: 49). این رویکرد بدین معنی است که مقاصد سیاسی مورد نظر و مطلوب خود را نمی‌تواند با استفاده از زور به دست آورد (به خصوص در رابطه با گروه‌های تروریستی) و لذا آمریکا به سمت نابودی توانمندی‌های آنان و ایجاد بازدارندگی موقتی حرکت کرده است که این رویکرد، طولانی‌مدت و مستمر خواهد بود (Inbar and Shamir, 2014: 78).

آمریکا به منظور مقابله با توانمندشدن تروریست‌ها، ممانعت از دسترسی آن‌ها به محل‌های امن و تجمع و آموزش دیدن را در دستور کار خود قرار داده است. از این‌رو، آمریکا در وهله اول به دنبال ممانعت از دسترسی تروریست‌ها به مناطق امن است. ارزیابی آمریکا آن است که در حال حاضر القاعده و داعش مامن و محلی امن برای آموزش نیروهای خود، بویژه به جهت انجام عملیات‌های تروریستی ندارند و آموزش‌های تروریست‌های گذشته را نمی‌گذرانند. همچنین همگی آن‌ها (تروریست‌ها) در حال نبرد در جنگ‌های محلی هستند. با این حال، با خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان، ممکن است نیروهای القاعده مجدداً به افغانستان بازگشته و این گروه، نیروهای خود را در آنجا آموزش دهند و بتوانند به محلی امن دسترسی یابند. علاوه بر آن، القاعده و داعش به لحاظ جغرافیایی بسیار گسترده شده‌اند و القاعده در کشورهای مختلفی نظیر افغانستان، الجزیره، تونس، بنگلادش، مصر، هند، لیبی، مالی، پاکستان، عربستان سعودی، سومالی، سوریه، تونس، ترکیه و یمن و داعش نیز در اکثر این کشورها و کامرون، جاد، عراق، موزامبیک، نیجریه و روسیه حضور دارد (Brands and O'Hanlon, 2021: 51). در حال حاضر این گروه‌ها در محل‌های کوچکتر و نامتمرکزتر^۱ پنهان شده‌اند و عمدتاً بر ماموریت‌های محلی خود و نه بین‌المللی، متمرکز هستند (Byman, 2021: 3). با این حال، این گسترش جغرافیایی نشانگر افزایش تهدید این دو بازیگر می‌باشد.

۱. به دلیلی نگرانی از شناسایی و مورد حمله قرار گرفتن، در کمپ‌های آموزشی بزرگ و یا برای مدت زمانی طولانی در یکجا جمع نمی‌شوند.

آمریکا به دنبال استمرار روندیست که اوپاما آن را «رهبری از پشت»^۱ می‌نامید و حضور نظامی نیروهای آن در راستای راهبرد «ردپای کمرنگ»^۲ و به جهت آموزش، مشاوره، کمک به نیروهای کشور میزبان و یا تامین امنیت مراکز دیپلماتیک خواهد بود. در رابطه با انجام عملیات‌ها پس از خروج (کاهش) نظامی نیز اگرچه گزینه ارسال نیروهای عملیات ویژه به صورت محدود وجود دارد، اما اولویت، استفاده از انجام اقدامات «فرای افق»^۳ در مقابله با تروریسم است که مهم‌ترین عناصر آن عبارتند از:

۱. ایجاد و تقویت دستگاه اطلاعاتی و اشتراک آن در مبارزه با تروریسم؛

۲. انجام پشتیبانی هوایی نزدیک با برد بلند؛^۴

۳. ارائه کمک‌های مالی و لجستیکی نظیر آموزش از راه دور و ...؛

۴. و در نهایت، کمک‌های بشردوستانه و اقتصادی (Asey, 2021: 36).

بایدن نیز در رابطه با نوع حضور آمریکا در منطقه غرب آسیا صحبتی از خروج کامل تجهیزات و نیروها نداشته و گفته است که «ما توانمندی‌های مبارزه با تروریسممان و برخی تجهیزات ضروریمان را در منطقه به منظور ممانعت از بازظهور تروریست‌ها، بازسازماندهی می‌کنیم» (Biden, 2021: 2) فرمانده سنتکام، ژنرال مکنزی^۵ نیز به استفاده از رویکرد «موازنه از دور، فرای افق» به منظور انجام اقدامات مقابله با تروریسم اشاره داشته است (Dominguez 2021: 18).

فعال شدن موازنه از دور، به معنی تاکید بیشتر بر بازیگران محلی و شرکا است و لذا اولویت آمریکا استفاده از نیروهای بومی که فرهنگ، منطقه و زبان محلی را نیز مسلطند، می‌باشد که صرفاً نیاز به آموزش و تجهیز^۶ دارند و همان‌طور که بیان شد، آمریکا نیروهای خود را به صورت محدود و به تعداد کم و نیاز، ارسال می‌کند که از این نیروها عمدتاً جهت مشاوره و آموزش استفاده می‌کند، اگرچه ارسال نیروهای مستشاری و اعزامی با اهداف مشخص جهت برخی

1. Leading From Behind

2. Light Footprint

3. Over the Horizon

4. Long-Range Close Air Support

5. McKenzie

6. Train and Equip

عملیات‌های نظامی به صورت مستقیم نیز ممکن است صورت گیرد. اما هدف غایی، کاهش وابستگی نظامی نیروهای آموزش داده شده و نیروهای محلی به آمریکا در مبارزه با تروریسم است. از این‌رو، آمریکا پس از سپتامبر ۲۰۱۴ و با افزایش تکیه بر متحدان و شرکا، ضمن حفظ آموزش و تجهیز، (Jamshidi and Yazdanshenas, 2020:53) به سمت تجهیز و فعال‌سازی^۱ به جهت کاهش وابستگی نیروهای شرکا و متحدان خود به آمریکا حرکت کرد (Mills, 2017:6) تا این نیروها به عنوان خط مقدم مبارزه با تروریسم فعالیت کنند (Tecott, 2021:13).

همچنین به جهت انجام موفق ماموریت‌های خود از طریق فرای افق، آمریکا نیاز به انجام عملیات‌های اطلاعاتی، نظارتی و جاسوسی بسیار زیاد و مستمر دارد که با توجه به آن اطلاعات، اقدام و واکنش لازم صورت گیرد که تحقق این امر، با توجه به کاهش نیروهای نظامی آمریکا (به خصوص در غرب آسیا)، دشوار شده است. از این‌رو، ابتکار آمریکا استفاده از «برنامه نظارت مسلحانه»^۲ و تاکید بیشتر بر تاکتیک سه‌گانه «یافتن، ثابت کردن و تمام کردن» می‌باشد. این ابتکار که عمدتاً بر عهده نیروهای ویژه آمریکا می‌باشد، پیش‌تر نیز مورد استفاده قرار گرفته است. در سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۵، فرماندهی مرکزی آمریکا آزمایشی تحت عنوان «ازدهای نبرد»^۳ را ترتیب دادند که به عنوان «ققنوس»^۴ شناخته می‌شد. این آزمایش در واقع تجربه حمله سبک هوایی^۵ با استفاده از هواپیمای رزمی توربوپراپ^۶ مجهز به توانمندی‌های یافتن، ثابت کردن و تمام کردن^۷ بود. این اقدام مجدداً در سال ۲۰۱۹ مورد تاکید قرار گرفت و در بودجه نیروی هوایی در سال ۲۰۱۹ تحت عنوان «توانمندی موثر به لحاظ هزینه‌ای برای مقابله با تهدید افراط‌گرایی خشونت‌آمیز» یاد شد. همچنین در بودجه ۲۰۲۰، ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲ نیز به لزوم تشکیل

1 Equipping and Enabling

۲. منظور به طور خلاصه، استفاده از پهبادهای مسلح شده به جهت انجام ماموریت‌های مشخص می‌باشد.

3. Combat Dragon II.

4. Phoenix

5. Light-Attack Air Experiment

6. Turboprop Aircraft

۷. مزیت استفاده از این هواپیماها در ارزان بودن آنها نسبت به سایر جنگنده‌ها و همچنین سریع‌تر بودن نسبت به بالگردها و توانایی حمل تسلیحات سنگین برخلاف بالگردها، می‌باشد.

8. Find, Fix And Finish

چنین اسکادرانی که توانایی انجام ماموریت‌های مختلفی نظیر حمایت هوایی نزدیک^۱، شناسایی مسلحانه^۲ و... اشاره شده است. این اسکادران توان انجام حمله همسو با رویکرد ردپای کمرنگ را داشته و نیاز به حمایت لجستیک سبک دارد (Air Force, 2021:1). در این راستا، وزارت دفاع در بودجه FY21 خود به طور خاص به فرماندهی عملیات‌های ویژه حرکت به سمت «برنامه نظارت مسلحانه» را با اختصاص بودجه، پیشنهاد داد (Office Of The Under Secretary Of Defense, 2020). در سال بعد، این فرماندهی رقم ۱۹۳ میلیون دلار را بابت این برنامه از کنگره درخواست کرد (Wolfe, 2021:1). این برنامه علاوه بر آنکه به دنبال استفاده از هواپیماهای رزمی بال ثابت و دارای سرنشین می‌باشد، از هواپیماهای بدون سرنشین و تجهیز شده نظیر MQ-9 نیز بهره می‌برد (Vickers, 2021:3). همچنین فرماندهی عملیات‌های ویژه در حدود ۱۹,۲ میلیون دلار جایزه را به ۵ شرکت بابت تولید نمونه‌های اولیه «نظارت مسلحانه» داده است (Everstine, 2021: 11).

همان‌طور که مشخص است، انجام این برنامه نیاز به حضور گسترده تجهیزات بدون سرنشین، به خصوص به جهت انجام عملیات‌های اطلاعاتی و جاسوسی دارد. از این رو، آمریکا به دنبال ایجاد پایگاه‌هایی برای انجام عملیات با استفاده از سیستم‌های بدون سرنشین و پهبادها به منظور اتخاذ رویکرد همه‌جانبه و از راه دور مبارزه با تروریسم است. به عبارت دیگر خروج نظامی آمریکا متأثر از تکنولوژی می‌باشد و بدین معنی است که تکنولوژی خلاء نظامیان را پر خواهد کرد؛ از این جهت، تاکید آمریکا بر استفاده از سیستم‌های بدون سرنشین و اشتراک و هماهنگی بیشتر داده‌های اطلاعاتی خواهد بود.

تشکیل کارگروه ۳۵۹ در ناوگان پنجم آمریکا در بحرین نیز در این راستا معنادار است.^۴ ماموریت ذکر شده برای این کارگروه، استفاده از سیستم‌های بدون سرنشین، هماهنگی سیستم‌های دارای سرنشین با سیستم‌های بدون سرنشین، (Franklin, 2021:23) یکپارچه‌سازی سیستم‌های بدون

1. Close Air Support

2. Armed Reconnaissance

3. Task Force 59

۴. لازم به ذکر است مبارزه با تروریسم صرفاً یکی از ماموریت‌های این کارگروه خواهد بود.

سرنشین و هوش مصنوعی می‌باشد و در آن تلاش است تا از پهبادها و سیستم‌های بدون سرنشین دریایی، زیردریایی و هوایی استفاده شود (Gambrell, 2021:5).

عنصر حائز اهمیت بعدی، همکاری‌های امنیتی^۱ می‌باشد که از این پس شاهد افزایش روزافزون این عنصر در رویکرد دفاعی، امنیتی آمریکا در جهان و خصوصاً در منطقه غرب آسیا خواهیم بود. همکاری‌های امنیتی مفهوم گسترده‌ایست که دربرگیرنده برخی از موارد ذکر شده نیز می‌باشد. این مفهوم به معنی «تعاملات با ساختار امنیتی خارجی به منظور ایجاد روابط امنیتی در جهت پیشبرد منافع امنیتی آمریکا، توسعه توانمندی‌های امنیتی و نظامی متحدین و شرکا برای دفاع از خود و انجام عملیات‌های مشترک^۲ حفظ دسترسی آمریکا» می‌باشد (DOD Directive 5132.03, 2016:17) که آموزش، مشاوره و حتی فروش سلاح را نیز شامل می‌شود (Zenko, 2018:6).

به طور کل، یکی از مهم‌ترین پیامدهای ۱۱ سپتامبر، برجسته‌شدن نقش همکاری‌های امنیتی در راهبرد امنیت ملی و راهبرد دفاع ملی آمریکا است. این ابزار، ابزاری ارزشمند است که آمریکا قصد دارد تا از آن هم در رابطه با مبارزه با تروریسم و هم در رقابت با قدرت‌های بزرگ، استفاده کند. این نوع همکاری‌ها در واقع فعال‌کننده و شکل‌دهنده مشارکت‌ها و اتحادها است که به آمریکا در جهت تامین منافع ملی‌اش کمک خواهد کرد. اما این نوع همکاری با شرکای منطقه‌ای تاکنون شکست خورده است و آنها نتوانسته‌اند نهادهای دفاعی توانمندی را برای خود ایجاد کنند که نمونه آن را در افغانستان می‌توان دید. انتظار آن می‌رود که با توجه به این شکست آمریکا، خصوصاً در رابطه با افغانستان، آمریکا به سمت ایجاد «فرماندهی همکاری امنیتی» حرکت کند. لازم به ذکر است که فرماندهی عملیات‌های ویژه آمریکا نیز پس از شکست‌های متعدد آمریکا نظیر شکست در عملیات پنجه عقاب، شکل گرفت.

سایر عناصر موجود در رویکرد مبارزه با تروریسم آمریکا قطع منابع مالی تروریسم و تحریم آن، ممانعت از جذب نیرو توسط آن‌ها، کمک‌های توسعه‌ای، تجهیز، تقویت و مدرن کردن نیروهای

1. Security Cooperation

۲. با حضور چند کشور

مسلح آمریکا، کاهش پایگاه‌های نظامی آمریکا، حذف تجهیزات و هواپیماهای تک‌مأموریتی و جایگزینی آن‌ها با پهپادها و حرکت به سمت رزم ناوهای کوچک‌تر، تقویت نقش نیروهای عملیات ویژه، انجام عملیات‌های کوچک، در قالب ائتلاف و دارای ویژگی پیش‌گیرانه، حمایت از دولت کارآمد و نهادینه کردن معماری منطقه‌ای مقابله با تروریسم با همکاری بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی می‌باشند.

۶. نتیجه‌گیری

واقع‌گرایی تهاجمی جهان را مبتنی بر آنارشی بین‌المللی می‌بیند که در آن بازیگران در صورت وجود فرصت، بی‌درنگ به سمت افزایش سهم‌شان در توزیع قدرت بین‌المللی به هر طریق ممکن، ولو با استفاده از تروریسم حرکت خواهند کرد. بنابراین با توجه به اولویت منافع و سود نسبی، مادامی که این امر تحقق شود، انجام جنگ‌ها و عملیات‌های نظامی برون‌مرزی و پرهزینه توجیه‌پذیر است.

ایالات متحده در طراحی دکترین امنیتی خود در مبارزه با تروریسم از دو منظر تهدیدمحور و آسیب‌پذیری توجه داشته که همزمان تقویت توان داخلی خود را همراه با افزایش ضربه‌زنی به تروریست‌ها، از طریق بهره‌مندی از مزیت‌هایی چون فناوری، پهپادها، تسلط هوایی و ظرفیت شرکا و متحدان در دستور کار قرار داده است. تغییر نوع مواجهه نظامی و اقدام و بویژه کاهش مداخله مستقیم (از نوع زمینی) نیز در همین راستا بوده و منطق آن را می‌توان در کاهش تهدید تروریسم علیه منافع ملی ایالات متحده و تحقق آن منافع با استفاده از ابزارها و راهبردهای کم‌هزینه‌تر نظیر احاله مسئولیت جستجو کرد.

به عبارت دیگر، آمریکا با توجه به ارزیابی از توان خود و دشمنان، به این نتیجه رسیده است که در دوره فعلی به لحاظ بازیگری، بازیگران دولتی (به خصوص چین) تهدید بیشتری نسبت به بازیگران غیردولتی دارند و همچنین به لحاظ موضوعی نیز، تهدید تروریسم تهدیدی جدی علیه منافع حیاتی این کشور محسوب نمی‌شود و اگرچه در میان تروریست‌ها هنوز انگیزه ضربه‌زدن و حمله به آمریکا وجود دارد، اما آن‌ها توانایی انجام آن را ندارند. علاوه بر آن، تروریسم دیگر صرفاً در منطقه غرب آسیا متمرکز نیست و به لحاظ جغرافیایی گسترش پیدا کرده است و در

مناطق مختلف جهان و به خصوص در آفریقا، حضور پررنگی پیدا کرده است. بنابراین جغرافیای تهدید دچار تحول و توزیع شده و حتی با کسب فناوری های نوین، دیگر مرزی مشخص را نیز نمیتوان میان تروریسم برون مرزی و درون مرزی ترسیم کرد.

از این رو، ایالات متحده در راهبرد نظامی و نوع مواجهه خود با تروریسم تغییراتی را ایجاد کرد. به عنوان مثال آمریکا نظامی نیروهای نظامی خود را از افغانستان به طور کامل خارج کرد. همچنین شاهد برخی جابه جایی نیروها و تجهیزات در سطح منطقه بوده ایم و ممکن است این خروج نیروهای نظامی از منطقه غرب آسیا، بیشتر نیز گردد. همچنین از طرف دیگر شاهد افزایش حضور عناصر تکنولوژیک نظیر پهبادها در منطقه و افزایش نقش آنها در انجام عملیات های نظامی آمریکا می باشیم.

در نهایت نیز باید گفت که مهم ترین موارد حاضر در رویکرد فعلی آمریکا نسبت به مبارزه با تروریسم را می توان شامل تقویت راهبرد رد پای کمرنگ، تقویت چندجانبه گرایی و دیپلماسی، افزایش نقش تکنولوژی و شبکه ای کردن سیستم ها و اطلاعات، ممانعت از دستیابی به محلی امن جهت آموزش، تشدید استفاده از راهبرد موازنه از دور و فرای افق، توانمندسازی آموزش/تجهیز و فعال سازی شرکا و متحدین، برنامه نظارت مسلحانه، گسترش و تعمیق همکاری های امنیتی دانست. جدول ذیل به طور مختصر به تغییر میزان تهدید و راهبردهای دولت های آمریکا در مبارزه با تروریسم اشاره می کند.

جدول (۱): تغییر میزان تهدید تروریسم و راهبردهای مقابله با آن

تغییر میزان تهدید	راهبردها	
باراک اوباما ✓ حفظ تهدید تروریسم ✓ توجه به تروریسم داخلی ✓ توجه به گسترش جغرافیایی تروریسم ✓ اولویت یافتن تهدیدات دولتی	✓ بهره گیری از «چکمه محدود بر روی زمین» و «رد پای کمرنگ» ✓ تاکید نیروهای نیابتی و محلی و همچنین افزایش پشتیبانی لجستیک و هوایی ✓ استمرار کشتار هدفمند ✓ گذار از «نابودی کامل» تروریسم به «مهار» تروریسم ✓ استفاده از دیپلماسی فعالانه تر و چندجانبه گرایی و تاکید بر قاطعیت و وسعت عملیات بیشتر ✓ تبدیل مبارزه با تروریسم به عنوان صرفا بخشی از سیاست خارجی آمریکا ✓ تاکید بر "شرایطی که به تشدید افراط گرایی خشونت آمیز کمک می کند" ✓ تمرکز بر کمیته های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به عنوان مکمل عملیات های نظامی	

تبیین تغییر اولویت تهدید و تاثیر آن بر راهبرد مبارزه با تروریسم آمریکا ۱۰۳

		✓ تقویت سیستم حقوقی مربوط به جرم در داخل کشورهای هدف ✓ استفاده محدود از نیروهای نظامی ✓ تشکیل کارگروه ویژه برای بررسی سیاست‌های نگهداری زندانیان در جنگ با تروریسم ✓ ممنوعیت استفاده از هرگونه استفاده از شکنجه و ابزارهایی مشابه آن در بازجویی از تروریست‌ها ✓ تعطیلی زندان گوانتانامو
دونالد ترامپ	کاهش محسوس تهدید تروریسم و توجه به تهدید دولتی (چین و روسیه)	✓ تمرکز بر "رقابت قدرت‌های بزرگ و نه تروریسم" ✓ تاکید بر حملات کوبنده‌تر با قاطعیت بیشتر و شکست فوری تروریست‌ها ✓ میزان تهدید یک گروه تروریستی برابر با میزان گسترش جغرافیایی آن ✓ معرفی ملت‌سازی به عنوان عامل شکست ✓ کاهش نقش ترویج دموکراسی ✓ تاکید بر نیروهای نیابتی و بازیگران محلی، کاهش تعهد نظامی آمریکا، کاهش اهمیت و بودجه مبارزه با افراط‌گرایی خشونت‌طلب، جلوگیری از تعهدات نظامی هزینه بر، منوط کردن خروج از عملیات‌ها به مدل شرایط محور و گسترده‌تر شدن دامنه لیست گروه‌های تروریستی ✓ افزایش اختیار و استقلال فرماندهان عملیاتی در استفاده از پهپادها در مبارزه با تروریسم
جو بایدن	✓ حفظ اولویت تهدید دولتی و ذکر تهدید تروریسم به عنوان آخرین تهدید پیش روی آمریکا ✓ تفکیک میان تروریسم داخلی و بین‌المللی	✓ نیروی نظامی «باید زمانی استفاده شود که اهداف و مأموریت، مشخص و قابل دسترسی باشد» و اذعان داشته که «در خاورمیانه، ما حضور نظامی خود را به سطح مناسبی که شبکه‌های تروریستی بین‌المللی را مختل کرده، با ایران مقابله نموده و منافع حیاتی آمریکا را حفظ کند، تغییر می‌دهیم». ✓ به دنبال «مدیریت و نه از بین بردن تهدید تروریسم» و اتخاذ راهبرد چمن زنی ✓ افزایش توجه به تروریسم داخلی ✓ افزایش توجه به به سمت راست‌گرایان خشونت‌طلب افراطی ✓ تاکید بر توانمندی‌های فرای افق ✓ مقابله با تهدید تروریسم در محل حضور آن ✓ ممانعت از دسترسی تروریست‌ها به محل‌های امن و تجمع و آموزش دیدن آنها

با توجه به آنچه که در خصوص راهبرد آتی ایالات متحده در منطقه بیان شد، پیشنهادات ذیل را می‌توان برای جمهوری اسلامی ایران ارائه نمود:

۱. ضرورت تمرکز همزمان بر دو رویکرد آسیب‌محور و تهدیدمحور به معنی رفع آسیب‌پذیری‌های داخلی از یک‌سو و تقویت توان مواجهه با دشمنی که نوع حضور جدیدی در منطقه را طراحی کرده است. این امر به معنی رفع آسیب‌پذیری‌های داخلی (از جمله تاکید

- بر پدافند غیرعامل و یا تامین امنیت زنجیره تامین) و یا ارتقاء امکان عملیات‌های موثر در خارج از مرزهای کشور به منظور ایجاد بازدارندگی می‌باشد.
۲. حرکت به سمت طراحی راهبرد و الگوی بومی تحقیق و توسعه فناورانه نظامی که در آن کارسپاری بومی و ایجاد خوداتکایی در این فناوری‌های مورد نیاز نظامی کشور در اولویت قرار گیرد.
۳. ممانعت از تبدیل شدن منطقه غرب آسیا به میدان رقابت قدرت‌های بزرگ چرا که این امر ضمن افزایش قطبش منطقه‌ای و کاهش همکاری و همگرایی، رقابت‌های تسلیحاتی و سلطه تفکر تهاجمی در منطقه را منجر خواهد شد.
۴. ایجاد بستر همکاری و اقدام مشترک در زمینه مبارزه با تروریسم با بهره‌گیری از فرصت‌هایی نظیر ساختار مبارزه با تروریسم سازمان‌های منطق‌ای نظیر شانگهای و یا با سایر کشورهای همسایه، بویژه با تشکیل فرماندهی عملیات مشترک با محور مقاومت در این خصوص.
۷. **قدردانی**
- نگارنده بر خود فرض می‌داند از دانشگاه بیرجند به واسطه فراهم کردن شرایط انجام پژوهش و مطالعه حاضر و همچنین از داوران محترم و فصلنامه ژئوپلیتیک به جهت تمام زحماتشان به منظور ارتقاء کیفی پژوهش کمال قدردانی و تشکر را داشته باشد.
۸. **تعارض منافع**
- نویسنده اعلام می‌کند که تعارض منافع وجود ندارد و تمام مسائل اخلاق در پژوهش را شامل پرهیز از سرقت ادبی، انتشار و یا ارسال بیش از یک بار مقاله، تکرار پژوهش دیگران، داده‌سازی یا جعل داده‌ها، منبع‌سازی و جعل منابع، رضایت ناآگاهانه سوژه یا پژوهش‌شونده، سوء رفتار و غیره، به طور کامل رعایت کرده‌اند.

References

1. Abdullah Khani, A. (2013). The Theories of Security. Tehran: Abrare Moaser Cultural Institute on International Research and Studies, (ISCS). **[In Persian]**
2. Afshord, E; Shiffrinson, J. (2018). Trump's National Security Strategy: A Critics Dream. Texas National Security Review. Retrieved March 15, 2024, from <https://repositories.lib.utexas.edu/bitstream/handle/2152/63984/Ashford%20%20Shiffrinson%20TNSR%20Vol%201%20Issue%202%20.pdf?sequence=2>
3. Air Force. (2020). Department of Defense Fiscal Year (FY) 2021 Budget Estimates. Department of the Air Force. Retrieved March 14, 2024, from https://www.saffm.hq.af.mil/Portals/84/documents/FY21/PROCUREMENT_/FY21%20Air%20Force%20Aircraft%20Procurement%20Vol%20I_1.pdf?ver=2020-02-10-145310-973.
4. Akrami, T. (2021). The Evolution of US Base Strategy: The Case Study of West Asia. Foreign Relations, 13(2), 309-336. **[In Persian]**
5. Asey, T. (2021). Atlantic Council. Retrieved February 10, 2024, from RESISTANCE 2.0 – A military framework to deter a Taliban military takeover and engage the United States and the region on counter-terrorism and peace for Afghanistan: <https://www.atlanticcouncil.org/blogs/southasiasource/resistance-2-0-a-military-framework/>.
6. Baumann, Z. (2021). Biden's National Security Strategy: Domestic Threats Take Centre Stage. Retrieved February 10, 2024, Internaional Center for Counter-terrorism: <https://icct.nl/publication/bidens-national-security-strategy-domestic-threats/>
7. Biden, J. (2021, April 14). The White House. Retrieved March 14, 2024, from Remarks by President Biden on the Way Forward in Afghanistan: <https://www.whitehouse.gov/briefing-room/speeches-remarks/2021/04/14/remarks-by-president-biden-on-the-way-forward-in-afghanistan/>.
8. Biden, J. (2021, August 31). Remarks by President Biden on the End of the War in Afghanistan. Retrieved March 15, 2024, from The White House: <https://www.whitehouse.gov/briefing-room/speeches-remarks/2021/08/31/remarks-by-president-biden-on-the-end-of-the-war-in-afghanistan/>.
9. Biden, J. (2021, July 08). Remarks by President Biden on the Drawdown of U.S. Forces in Afghanistan. Retrieved March 15, 2024, from The White House: <https://www.whitehouse.gov/briefing-room/speeches-remarks/2021/07/08/remarks-by-president-biden-on-the-drawdown-of-u-s-forces-in-afghanistan/>
10. Biden, J. (2021, March). Interim National Security Strategic Guidance. Whashington, D. C: The White House. Retrieved March 15, 2024, <https://www.whitehouse.gov/wp-content/uploads/2021/03/NSC-1v2.pdf>.
11. Brands, H. (2017). The Unexceptional Superpower: American Grand Strategy in the Age of Trump. Survival, 59, 7-40. doi:10.1080/00396338.2017.1399722.

12. Brands, H. (2021, April 14). The war on terrorism isn't over — it's moved to Africa. Retrieved April 21, 2024, American Enterprise Institute: <https://www.aei.org/op-eds/the-war-on-terrorism-isnt-over-its-moved-to-africa/>.
13. Brands, H; O'Hanlon, M. (2021). The War on Terror Has Not Yet Failed: A Net Assessment After 20 Years. *Survival*, 63(4), 33-54.
14. Byman, D. (2021, May 04). Don't expect an al-Qaida reboot in Afghanistan. Retrieved from Brookings: <https://www.brookings.edu/blog/order-from-chaos/2021/05/04/dont-expect-an-al-qaida-reboot-in-afghanistan/>.
15. Byman, D. (2021, October). The Good Enough Doctrine: Learning to Live With Terrorism. Retrieved January 2, 2022, from Foreign Affairs: <https://www.foreignaffairs.com/articles/middle-east/2021-08-24/good-enough-doctrine>.
16. Clapper, J. (2016). Worldwide Threat Assessment of the US Intelligence Community. Washington, D. C.: Director of National Intelligence. Retrieved October 26, 2022, from https://www.dni.gov/files/documents/SASC_Unclassified_2016_ATA_SFR_FINAL.pdf
17. Clarke, C. (2021). Trends in Terrorism: What's on the Horizon in 2021? Retrieved October 26, 2022, from Foreign Policy Research Institute: <https://www.fpri.org/article/2021/01/trends-in-terrorism-whats-on-the-horizon-in-2021/>
18. Coats, D. (2019). WORLDWIDE THREAT ASSESSMENT of the US INTELLIGENCE COMMUNITY. Washington, D. C.: Director of National Intelligence. Retrieved October 26, 2022, <https://www.dni.gov/files/ODNI/documents/2019-ATA-SFR---SSCI.pdf>.
19. Coats, D.R. (2017). Worldwde Threat Assesment of the US Intelligence Community. Washington, D. C.: Office of the Director of National Intelligence. Retrieved October 24, 2022, from <https://www.dni.gov/files/documents/Newsroom/Testimonies/SSCI%20Unclassified%20SFR%20-%20Final.pdf>.
20. Darvishi , F; Hatamzadeh, A. (2013). The Process of US and EU Confrontation with Terrorism from Different Perceptions to Collaboration. *Geopolitics Quarterly*, 9(30), 136-160. **[In Persian]**
21. Darvishi, F; Jalilvand, A. (2010). Impacts of U.S. Military Presence in the Arabic Countries of Persian Gulf: Security Shield or Reduce of Legitimacy. *Geopolitics Quarterly*, 6(4), 167-180. **[In Persian]**
22. Debis, N.G. (2021). Security diplomacy as a response to Horn of Africa's security complex: Ethio-US partnership against al-Shabaab. *Cogent Social Sciences*, 1-19. doi:10.1080/23311886.2021.1893423
23. DIA Strategy. (2021). DEFENSE INTELLIGENCE AGENCY STRATEGY 2021. Defense Intelligence Agency.
24. DOD Directive 5132.03 . (2016). DOD POLICY AND RESPONSIBILITIES RELATING TO SECURITY COOPERATION. Washington, D. C.: Office of the Under Secretary of Defense for Policy.

25. Dombrowsk, P; Reich, S. (2018). Beyond the Tweets: President Trump's Continuity in Military Operations. *Strategic Studies Quarterly*, 12(2), 56-81.
26. Dominguez, G. (2021). Janes. Retrieved January 14, 2022, US looking at 'over-the-horizon' options for counter-terrorism ops in Afghanistan: [https:// www.janes.com/defence-news/news-detail/us-looking-at-over-the-horizon-options-for-counter-terrorism-ops-in-afghanistan](https://www.janes.com/defence-news/news-detail/us-looking-at-over-the-horizon-options-for-counter-terrorism-ops-in-afghanistan).
27. Everstine, B. (2021). Air Force Magazine. Retrieved June 19, 2021, SOCOM Selects 5 Armed Overwatch Prototypes: <https://www.airforcemag.com/socom-selects-5-armed-overwatch-prototypes/>.
28. Felbab-Brown , V. (2021). How to counter right-wing armed groups in the United States. Retrieved December 15, 2022, from Brookings: <https://www.brookings.edu/blog/order-from-chaos/2021/01/21/how-to-counter-right-wing-armed-groups-in-the-united-states/>.
29. Franklin, R. (2021). U.S. 5th Fleet Launches New Task Force to Integrate Unmanned Systems. Retrieved July 22, 2024, from U.S. Naval Forces Central Command: <https://www.cusnc.navy.mil/Media/News/Display/Article/2768468/us-5th-fleet-launches-new-task-force-to-integrate-unmanned-systems/>.
30. Friedman, U. (2016). Learning to Live With Terrorism. Retrieved March 26, 2024, from The Atlantic: <https://www.theatlantic.com/international/archive/2016/08/terrorism-resilience-isis/493433/>.
31. Gambrell, J. (2021). US Navy launches Mideast drone task force amid Iran tensions. Retrieved April 12, 2024, from Defense News: <https://www.defensenews.com/flashpoints/2021/09/08/us-navy-launches-mideast-drone-task-force-amid-iran-tensions/>.
32. Glaser, C. (1995). Realistes As Optimists Cooperation As Self Help. *International Security*, 19(3), 50-90.
33. Helvey, D. (2021). U.S. Department of Defense. Retrieved May 23, 2024, from Defense Officials Explain U.S. Policy, Strategy in Afghanistan: <https://www.defense.gov/Explore/News/Article/Article/2605090/defense-officials-explain-us-policy-strategy-in-afghanistan/>.
34. Inbar, E; Shamir, E. (2014). 'Mowing the Grass': Israel's Strategy for Protracted Intractable Conflict. *Journal of Strategic Studies*, 37(1), 65-90. doi:10.1080/01402390.2013.830972.
35. Jamshidi, M; Yazdanshenas, Z. (2020). Power Cycle Theory and Changes in The US Relative Power; A Context for Analyzing Foreign Policy Behavior. *Geopolitics Quarterly*, 16(59), 52-82. **[In Persian]**
36. Jenkins, B. M. (2017). *The Origins of America's Jihadists*. Santa Monica, Calif: RAND Corporation.
37. Joint Publication 1. (2021). *DOD Dictionary of Military and Associated Terms*. Washington, D. C.: Joint Chiefs of Staff.

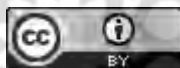
38. Joint Publication 1-02. (2010). Department of Defense Dictionary of Military and Associated Terms. Washington, D. C.: Joint Chiefs of Staff.
39. Kimball, J. (2021). Brown University. Retrieved April 12, 2024, from Costs of the 20-year war on terror: \$8 trillion and 900,000 deaths: <https://www.brown.edu/news/2021-09-01/costsofwar>.
40. Kurtz-Phelan, D. (2021). Who Won the War on Teorror? Retrieved May 21, 2024, from Foreign Affairs: <https://www.foreignaffairs.com/issue-packages/2021-08-24/who-won-war-terror>.
41. Mahshie, A. (2021). France Stresses Need for Continued American ISR in African Sahel. Retrieved January 10, 2024, from Air Force Magazine: <https://www.airforcemag.com/france-stresses-need-for-continued-american-isr-in-african-sahel/>.
42. Mearsheimer, J. (2001). The Tragedy of Great Power Politics. New York: W.W. Norton.
43. Mills, C. (2017). ISIS/Daesh: the military response in Iraq and Syria. UK Parliament. Retrieved January 11, 2024, from <https://researchbriefings.files.parliament.uk/documents/SN06995/SN06995.pdf>.
44. Mossalanejad, A. (2018). The Middle East Security and Donald Trump's Grand Strategy. *Geopolitics Quarterly*, 13(4), 20-52. **[In Persian]**
45. Mossalanejad, A. (2020). Geopolitical Shift in Power and Security in Southwest Asia. *Geopolitics Quarterly*, 16(59), 1-28. **[In Persian]**
46. NDS. (2018). Summary of the National Defense Strategy of the United States of America: Sharpening the American Military's Competetive Edge. Washington, D. C.: Department of Defense.
47. NIS. (2014). The National Intelligence Strategy of the United States of America. Washington, D.C.: Office of the Director of National Intelligence; United States Intelligence Community.
48. NSS. (2017). National Security Strategy of the United States. Washington, D. C.: White House.
49. Office Of The Under Secretary Of Defense . (2020). Defense Budget Overview: Irreversible Implementation of the National Defense Strategy. Washington, D. C.: Department of Defense.
50. Pain, R. (2010). The New Geopolitics of Fear. *Geography Compass*, 226-240.
51. QDR. (2014). The 2014 Quadrennial Homeland Security Review. Washington, D. C.: U.S. Department of Homeland Security.
52. Rolington, A. (2013). Strategic Intelligence for the 21st Century: The Mosaic Method. Oxford: Oxford University Press.
53. Romaniuk, S; Grice, F. (2017). The Future of US Warfare. New York: Routledge.

54. Rosenthal, D; Schulman, L.D. (2018). Trump's Secret War on Terror. Retrieved April 13, 2024, from The Atlantic: <https://www.theatlantic.com/international/archive/2018/08/trump-war-terror-drones/567218/>.
55. Savvel, S. (2021). United States CounterTerrorism Operations, 2018-2020. Brown University. Retrieved April 12, 2024, from <https://watson.brown.edu/costsofwar/papers/2021/USCounterterrorismOperations>.
56. Singer, J.D. (1958). Threat-perception and the armament-tension dilemma. *Journal of Conflict Resolution*, 2(1), 90-105. doi:<https://doi.org/10.1177/002200275800200110>.
57. Starr-Deelen, D. (2018). Counter-Terrorism from the Obama Administration to President Trump. Kensington, MD: Palgrave Pivot.
58. Stevenson, J. (2019). Right-wing Extremism and the Terrorist Threat. *Global Politics and Strategy*, 233-244. doi:10.1080/00396338.2019.1568059.
59. SWAN, B. W. (2020, September 04). DHS draft document: White supremacists are greatest terror threat. Retrieved April 11, 2024, from Politico: <https://www.politico.com/news/2020/09/04/white-supremacists-terror-threat-dhs-409236>.
60. Tecott, R. (2021). Why America Can't Build Allied Armies: Afghanistan Is Just the Latest Failure. Retrieved April 11, 2024, from Foreign Affairs: <https://www.foreignaffairs.com/articles/united-states/2021-08-26/why-america-cant-build-allied-armies>.
61. Thrall, A; Goepner, E. (2017). Step Back: Lessons for U.S. Foreign Policy from the Failed War on Terror. Retrieved May 23, 2024, from CATO Institute: <https://www.cato.org/policy-analysis/step-back-lessons-us-foreign-policy-failed-war-terror#appendix-1-regression-analysis>.
62. Vickers, M. (2021). Military Times. Retrieved May 23, 2024, from MQ-9 Reaper: The only option for SOCOM's 'armed overwatch' role: <https://www.militarytimes.com/opinion/commentary/2021/05/15/mq-9-reaper-the-only-option-for-socoms-armed-overwatch-role/>.
63. Waltz, K. (1979). *Theory of International Politics*. New York: Random house.
64. Wolfe, F. (2021). Defense Daily. Retrieved May 23, 2024, from SOCOM Requests \$170 Million for Six Armed Overwatch Aircraft: <https://www.defensedaily.com/socom-requests-170-million-six-armed-overwatch-aircraft/uncategorized/>.
65. Woolsey, J. (1998). Testimony of The Honorable James Woolsey. U.S. House of Representatives Committee on National Security. Retrieved April 12, 2024 from https://fas.org/irp/congress/1998_hr/h980212w.htm.
66. Zenko, M. (2018). *US Military Policy in the Middle East An Appraisal*. London : The Royal Institute of International Affairs Chatham House./
67. 50 U.S. Code Title 50— War And National Defense . (n.d.). Retrieved February 3, 2024, from Cornell Law School: <https://www.law.cornell.edu/uscode/text/50>

68.(2021). Annual Threat Assessment of the US Intelligence Community. Office of The Director of National Intelligence.
69.(2017). Country Reports on Terrorism 2016. Washington, D. C.: U.S. Department of State. Retrieved October 24, 2022, from https://www.state.gov/wp-content/uploads/2019/04/crt_2016.pdf.
70.(2021). DOD Dictionary of Military and Associated Terms. Washington, D. C.: Joint Chiefs of Staff.
71.(2013). Joint Publication 3-27: Homeland Defense. Washington, D. C.: Joint Chiefs of Staff.

COPYRIGHTS

©2023 by the authors. Published by the Iranian Association of Geopolitics. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی